

## بایسته‌های رویکرد فقهی - حقوقی پسانتخاباتی به جبران عدم ایفا یا نقض وعده‌های انتخاباتی

عابدین مؤمنی<sup>\*۱</sup> ID، سید محسن قائمی خرق<sup>۲</sup> ID

۱. استاد، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. محقق پسادکتری، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

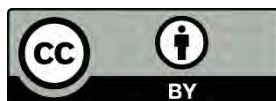
نوع مقاله: پژوهشی

DOI: [10.22034/qjplk.2024.1718.1570](https://doi.org/10.22034/qjplk.2024.1718.1570)

### چکیده

دموکراسی با پدیده انتخابات و حق تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی ملت متلازم است. در این میان، وعده‌های انتخاباتی که در قالب تبلیغات انتخاباتی توسط نامزدها و احزاب مطرح می‌شود، با وجود آنکه می‌تواند مقدمه اعمال حق رأی را به صورتی مناسب فراهم سازد، به دلیل عدم نظارت بر وعده‌های مطرح‌شده یا بر امکان تحقق آن‌ها می‌تواند حق مشارکت و تعیین سرنوشت رأی‌دهندگان را نقض کند. در این جستار توصیفی-تحلیلی و با روش‌های حقوق تطبیقی مسئله آن است که در فقد ساختار نظارت پیشانتخاباتی مناسب بر وعده‌های نامزدها در نظام حقوقی ایران آیا می‌توان مسئولیت حقوقی و قضایی در قبال عدم ایفای وعده‌ها قائل شد (به عنوان رویکردی پسانتخاباتی)؟ بی‌شک پاسخ به این سؤال در پرتو ملاحظات و بایسته‌هایی است که این نوشته در پی بیان آن‌هاست تا در نهایت به امکان یا عدم امکان برخورد حقوقی با مقوله نقض وعده‌های انتخاباتی منتج شود. نتیجه آنکه در طراحی مواجهه مناسب باید، ضمن توجه به نظریات مشروعیت سیاسی، اصولی همچون لزوم تفکیک مسئولیت قراردادی از قهری، اتخاذ رویکرد فازی در تبیین مسئولیت، لزوم تفکیک «وعده به اقدام» از «وعده به نتیجه»، جبران حداکثری آثار نقض، و بایستگی اثبات «رابطه سببیت» میان وعده و رأی مد نظر قرار گیرد که سختی تحقق این ملاکات و سلیقه‌ای شدن برخی از آن‌ها چالش‌هایی جدی در امکان برخورد حقوقی با نقض وعده‌های انتخاباتی پدید می‌آورد.

**کلیدواژگان:** انتخابات، حمایت قضایی از حق تعیین سرنوشت، مسئولیت مدنی- سیاسی- کيفری وعده‌دهنده، نامزد انتخاباتی وعده‌دهنده، وعده‌های انتخاباتی.



## مقدمه

وعده‌های انتخاباتی جزء جدایی‌ناپذیر انتخابات است و مطالعات میدانی مختلف و آمارهای گوناگون تأثیر وعده‌های انتخاباتی را بر درک سیاسی و رأی‌نمایی شرکت‌کنندگان در انتخابات به اثبات رسانده‌اند (Artés, 2013: 149; Cesi, 2019: 19) و حتی برخی از نویسندگان عمل به وعده‌های انتخاباتی را معیاری برای رأی‌دهندگان جهت انتخاب مجدد سیاستمداران دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که در نبود آن نیل به توافق رأی‌دهندگان در خصوص عملکرد قابل قبول یک مقام منتخب دشوار به نظر خواهد رسید (Aragonès, 2007: 846). اساساً نمایندگی متعهدانه بدین معناست که نامزدها در طول رقابت‌های انتخاباتی وعده می‌دهند و در صورت انتخاب باید به دنبال تحقق وعده‌ها باشند (Mansbridge, 2003: 515). از همین رو، این ادعا بارها مطرح شده است که نامزدها و احزاب باید به وعده‌های انتخاباتی خود عمل کنند.<sup>۱</sup> اما، در برابر، کاهش سطح اعتماد ناشی از عدم تحقق وعده‌های انتخاباتی در دهه‌های اخیر در کشورهایی مانند کانادا و بریتانیا بسیار نگران‌کننده شده است (Diamond, 1998: 129)؛ به حدی که شاید در اوج ناباوری بتوان گفت دموکراسی نمایندگی و بی‌اعتمادی در نظریه سیاسی با یکدیگر همزاد و متقارن‌اند. ولی به هر روی بی‌اعتمادی می‌تواند عنصر مقبولیت نظام سیاسی را به چالش بکشد (Hardin, 2002: 107).

بر این اساس، سؤال اصلی تحقیق این است که مواجهه مناسب با نقض وعده‌های انتخاباتی در نظام حقوقی باید مبتنی بر چه اصولی باشد و آیا این اصول می‌توانند زمینه‌ساز برخورد حقوقی با نقض وعده‌های حقوقی شوند؟ پیشینه‌ای نیز در خصوص این جستار یافت نشده است و فقط دو اثر موجود، یعنی مقاله‌ای تحت عنوان «مبانی فقهی-حقوقی لزوم عمل به وعده‌های انتخاباتی و مقابله با وعده‌های دروغین» (اسماعیلی و حبیب‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۳۵-۱۳۵) و گزارش «بررسی تحلیلی وعده‌های انتخاباتی از منظر مبانی فقهی، حقوقی، و اخلاق سیاسی» (سازمان بسیج حقوقدانان، ۱۳۹۶: ۳ - ۱۸)، به مبانی حقوقی مقابله با وعده‌های دروغین پرداخته‌اند و به لایه ضوابط و بایسته‌ها بی‌توجه مانده‌اند. ساختار نوشته پیش‌آیند بدین نحو صورت‌بندی شده که در قسمت نخست مفهوم وعده‌های انتخاباتی و مصادیق نقض وعده‌های انتخاباتی بررسی شده و پس از آن تلاش‌های نظری و قضایی به منظور برخورد حقوقی با نقض وعده‌ها (در معنای عام آن، از جمله وعده‌های خلاف قانون یا وعده‌های قانونی

نقض شده) مطرح شده و در قسمت نهایی جستار اصول و بایسته‌های حاکم بر مواجهه حقوقی با نقض وعده‌های انتخاباتی آمده است.

## ۱. مفهوم‌شناسی «وعده‌های انتخاباتی» و مصداق‌شناسی «نقض وعده‌های انتخاباتی»

واژه «وعد» در لغت به معادل‌هایی همچون «عهد، قرار، قول، میثاق، پیمان» معنا شده است (قریشی، ۱۴۱۲: ۲۲۶) و به معنای التزام برای انجام دادن عملی در زمان یا مکان معین در آینده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۶۱). برخی از معجم‌نویسان این واژه را مختص «التزام به خیر» دانسته‌اند (طریحی، ۱۴۱۶: ۱۶۲) و بعضی دیگر معتقد به معنای عام آن هستند (جوهری، ۱۴۱۰: ۱۵۱). استعمال قرآنی این واژه نیز رویکرد نخست را در لغت‌شناسی این دانش‌واژه اثبات می‌کند.<sup>۳</sup> هم‌سو با معنای لغوی، وعده‌های انتخاباتی تعهد و قولی است که نامزد تصدی یک پست سیاسی و رسمی به منظور جلب رأی شهروندان به جهت برانگیختن آنان به حمایت از خود ابراز و اعلام می‌کند. تحلیل وعده‌ها از منظر انتخاب‌کنندگان به این صورت است که ایشان بر مبنای اجرای این وعده‌ها به چنین فردی رأی می‌دهند و انتظار دارند که در صورت پیروزی به وعده‌ها جامه عمل بپوشاند (بسیج حقوقدانان، ۱۳۹۶: ۷). در واقع، این یک امر عقلانی است که مقامات سیاسی باید هر چه زودتر به وعده‌های تبلیغاتی خود عمل کنند و برای اجرای وعده‌های انتخاباتی خود یا حزب منتظر آینده نمانند (Pétry, 2012: 190).

درباره مصادیق نقض وعده‌های انتخاباتی نیز می‌توان گفت با توجه به لزوم «معین و مقدور التسلیم» بودن وعده به لحاظ عقلی و شرعی (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ج ۳: ۳۱۱) و قانونی (موافق با بند ۵ سیاست‌های کلی انتخابات، ابلاغی مهر ۱۳۹۵)، چنانچه وعده جهت تحقق نیازمند موافقت نمایندگان یا نهاد دیگری باشد یا امری فراتر از اختیارات آن مقام باشد جزء اموری خواهد بود که مقدور التسلیم نیست. در برخی از استفتائات فقهی از مراجع تقلید معاصر نیز به این مصادیق اشاره شده است؛ از جمله در فتوای آیت‌الله مکارم شیرازی آمده: «قطعاً جایز نیست وعده‌های فراتر از اختیار بدهند یا دروغ بگویند یا کاری که می‌دانند نمی‌شود آن را مطرح کنند. ما اسم این را تدلیس می‌گوییم»<sup>۴</sup>. مواردی مانند انکار وعده (پس از طرح و اقرار به آن) یا طرح وعده‌هایی که از ابتدا نامزد انتخاباتی عزم بر عمل بدان نداشته یا حالت‌هایی همچون استناد به معاذیر غیر موجه به منظور رفع تعهدات ناشی از وعود انتخاباتی

نیز در گستره مفهومی «نقض یا عدم ایفای وعده‌های انتخاباتی» قرار می‌گیرد. در رویه قضایی نیز، در سال ۱۹۸۲، دادگاه استیناف ایالات متحده به مصادیق نقض وعده‌های انتخاباتی در پرونده *Brown v. Hartlage* پرداخت. در این پرونده، یک نامزد برای کمیساریای محلی قول داده بود که کمتر از حقوق تعیین شده برای پست خود دریافتی داشته باشد. نامزد نمی‌دانست که از نظر «قانون ایالت کنتاکی در خصوص اقدامات پویش علیه فساد»<sup>۵</sup> از اجرای این وعده منع شده و باید همه حقوق خود را بپذیرد.<sup>۶</sup> اما در دیوان عالی ایالات متحده امریکا قاضی برنان مطرح کرد که برخی از انواع وعده‌های داده شده توسط یک نامزد به رأی‌دهندگان می‌تواند با وجود عدم مغایرت با قانون اساسی غیر قانونی در نظر گرفته شوند.<sup>۷</sup>

## ۲. امکان‌سنجی برخورد حقوقی با نقض وعده‌های انتخاباتی: تلاش‌های فکری و قضایی

برخی دیدگاه‌ها به صورت موردی قائل به بی‌تأثیر بودن وعده‌ها از آن حیث که توخالی هستند و هیچ‌کس را متقاعد نمی‌کنند بوده‌اند (Davis & Ferrantino, 1996: 10). از این رو نهایت تأثیر وعده نقض موازین و ارزش‌های اخلاقی است. توصیف وعده‌ها در ساحت این دیدگاه‌ها به صورت‌بندی زیر است:

- وعده دادن یک عمل مفید یا ارزشمند اجتماعی است و نقض آن مشارکت در تنزل ارزش‌های اجتماعی است (Scanlon, 1990: 221).
  - این توقع وجود دارد که وعده‌دهنده به عهد خود وفا کند و از میان رفتن این انتظار امری مضر یا ضد ارزش است (Scanlon, 1990: 221).
  - وعده دربردارنده مجموعه قواعدی است که لزوم پیروی از آنها موجب گسترش و توسعه حداکثری نتایج خوب در جامعه می‌شود (Hooker, 2011: 94).
- نظریه هنجاری-اخلاقی وعده‌های انتخاباتی بیان می‌کند که احزاب سیاسی باید از الزامات اخلاقی پیروی کنند که عبارت‌اند از: ۱. از دادن وعده‌هایی که نمی‌توانند به آنها عمل کنند خودداری کنند (واقع‌گرایی)؛ ۲. از دادن وعده‌هایی که قصد انجام دادن آن را ندارند خودداری کنند (صداقت)؛ ۳. از دادن وعده‌های متناقض خودداری کنند (سازگاری). تنها استثنای مقبول برای زیر پا نهادن تعهد اخلاقی دولت به وفای به وعده‌ها عبارت است از وقوع حوادث غیر مترقبه (حوادث طبیعی، بحران اقتصادی، جنگ، تغییرات غیرمنتظره افکار عمومی)

(Schedler, 1998: 204). چنانچه نتوان ضمانت اجرای برخی گزاره‌های قانون اساسی را، که ناظر به شرایط مقامات سیاسی است، فراتر از احراز صلاحیت برای انتخابات بعدی دانست، نقض وعده‌های انتخاباتی صرفاً نوعی معارضه و نقض «اخلاقی» قانون اساسی خواهد بود؛ نقض اخلاقی پایه‌های ایمانی نظام (اصل دوم) و ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی در اصل ۳ و اصل ۶۷ قانون اساسی (سوگندنامه نمایندگان مجلس) که عدالت، انجام دادن وظایف وکالت، امانت، و تقوی را در خصوص نمایندگان مجلس مقرر کرده است. مورد اخیر از آن روی می‌تواند مسئولیت صرف اخلاقی برای نقض وعده در پی داشته باشد که سوگند مقامات سیاسی را امری تشریفاتی و فاقد اثر حقوقی بدانیم. چه آنکه همین اصول اخلاقی در اصل ۱۱۵ برای ریاست‌جمهوری ایران و در اصل ۱۲۱ در متن تحلیف وی بیان شده است. در صورت پذیرش این مطالب، به فقد ساختار حقوقی و نظارتی مناسب و پیش‌انتخاباتی و پسانتخاباتی در ایران رهنمون خواهیم شد.

رویکرد دیگر نسبت به نقض وعده‌های انتخاباتی در نظر انگاشتن مسئولیت سیاسی، فراتر از مسئولیت اخلاقی، برای ناقضان وعده‌های انتخاباتی است. به عبارت دیگر، اگرچه ممکن است صدمات ناشی از نقض وعده‌های تبلیغاتی آشکار باشد، دادگاه‌ها هرگز حاضر به اجبار برای اجرای وعده‌های تبلیغاتی و مجازات وعده‌دهندگان نبوده‌اند. مثلاً، در پرونده *Williams v. Police Jury of Concordia Parish* دادگاه وعده‌ای را که نامزد در خصوص اوراق قرضه به رأی‌دهندگان داده بود فاقد ارزش حقوقی دانست. دادگاه در این پرونده اعلام کرد: «[اثر] نقض چنین وعده‌هایی باید در صندوق‌های رأی نشان داده شود نه در دادگاه‌های این ایالت».<sup>۸</sup> نظیر همین رویکرد در پرونده *City of Farmers Branch v. Hawnco, Inc.* توسط دادگاه حکم داده شد.<sup>۹</sup> در این پرونده خواهان‌ها در پی صدور دستور منع تغییرات در منطقه‌بندی شهر تگزاس بودند. زیرا برخی از مقامات در برنامه انتخاباتی خود مبارزه با چنین تغییراتی را وعده داده بودند. دادگاه مقرر کرد که نمی‌توان مقامات دولتی را از رأی دادن به چنین تغییراتی منع کرد؛ ولی آن‌ها از نظر سیاسی باید نسبت به انجام دادن یا انجام ندادن وعده‌ها در انتخابات بعدی پاسخگوی رأی‌دهندگان باشند.<sup>۱۰</sup> در پرونده دیگری شکات سعی کردند از رأی دادن کمیسیونرها در مورد برخی طرح‌ها (به دلیل تعهد در برنامه انتخاباتی) جلوگیری کنند. دادگاه فلوریدا اعلام کرد: «مضمون نظرات هر عضوی از هیئت حاکمه سیاسی به معنای ارسطویی آن

فقط مشمول ارزش‌گذاری در صندوق‌های رأی می‌شود و نه در دادگاه.<sup>۱۱</sup> در واقع، از آنجا که وعده‌های انتخاباتی نقش هماهنگ‌کنندگی میان رأی‌دهندگان دارد، رأی‌دهندگان ممکن است، به دلیل نادیده گرفتن وعده‌های انتخاباتی، یک نامزد را با رأی ندادن به وی تنبیه کنند (Aragonès, 2007: 847).

اما رویکرد سوم آن است که بدون اصرار بر یکی از دو رویکرد قبلی وعده‌ها صلاحیتی هنجاری به مخاطب وعده برای حفظ منافع اعطا می‌کند (Owens, 2012: 126) و رأی‌دهندگان نیز این نکته را می‌دانند که مجازات سیاسی وعده‌دهنده در انتخابات آینده برای جبران همه نقض‌ها کافی نیست. برخی از وعده‌ها ممکن است آن‌قدر با نتیجه مطلوب فاصله داشته باشند که سود کوتاه‌مدت ناشی از نقض وعده برای نامزد انتخاباتی بیش از تلاش برای اجرای آن وعده باشد (Owens, 2012: 850). افزون بر این، مقابله سیاسی با نقض وعده نیز نیازمند دسترسی به یک تریبون عمومی و پوشش اجتماعی است و نقش واکنش‌های سیاسی بسیار ضعیف و کمتر بازدارنده است (Sencer, 1991: 441). همچنین، تکیه صرف بر سازکارهای سیاسی مشابه اتکا به بازار برای اطمینان از صداقت تجاری است که مدت‌هاست ناتوانی آن در حمایت از معاملات اثبات شده است (Grand, 1986: 78). در واقع عدم حمایت قضایی وعده‌ها به معنای آن است که به رأی‌دهندگان اجازه دهید تا هوشیار باشند! از این رو، محاکم قضایی نقش نظارتی بالقوه‌ای در دسترسی مؤثر و دقیق رأی‌دهندگان به اطلاعات سیاسی دارند.

در حقوق تطبیقی نیز برخی معتقدند وعده انتخاباتی بر اساس نظریه چانه‌زنی قراردادی<sup>۱۲</sup> معامله‌ای را ایجاد می‌کند و همراه نظریه استاپل عهده‌ی<sup>۱۳</sup> برخی دعاوی نسبت به نقض وعده انتخاباتی مطرح شده است. مطابق این نظریه، وعده انتخاباتی ایجابی مشروط به «رأی‌دهی طرف یا طرف‌های مقابل» برای شکل‌گیری یک قرارداد است. مثلاً الف ممکن است بگوید: «اگر به من رأی دهید من قول می‌دهم استخری برای فرزندان شما بسازم»؛ همانند یک قرارداد یک‌جانبه تجاری که «اگر شما ۱۰۰۰ دلار به من بدهید، قول می‌دهم برای فرزندان شما در محله استخر بسازم». البته این دو وعده به جهاتی مانند عملکرد مورد نیاز برای التزام وعده‌دهنده، نیت قراردادی طرفین، نقش وعده‌دهنده در جامعه از هم متمایز می‌شوند (Sencer, 1991: 445).

به هر روی، بر اساس نظریه معامله، برای تشکیل قرارداد، اثبات قصد واقعی یا ظاهری طرفین مبنی بر الزام‌آور بودن وعده ضرورت ندارد. اما، چنانچه وعده‌دهنده در زمان طرح وعده

عدم التزام حقوقی خود به وعده را بیان کند، عقد الزام‌آور حقوقی شکل نخواهد گرفت؛ همچنان که توافقاتی میان اعضای خانواده<sup>۱۴</sup> و توافقی‌هایی با ماهیت اجتماعی (مانند توافق میان دوستان برای استفاده از ماشین در یک سفر شکاری) الزام حقوقی ندارد.<sup>۱۵</sup> در پرونده O'Reilly v. Mitchell خواهان (رأی‌دهنده و مالیات‌پرداز) مدعی بود شهردار با تغییر قانون خدمات دولتی شهری وعده‌های انتخاباتی را نقض کرده است.<sup>۱۶</sup> دادگاه، بدون اشاره به دکترین «قصد عدم التزام حقوقی به یک تعهد»،<sup>۱۷</sup> بیان کرد که مقدمات مورد استناد شاکی نمی‌تواند تکوین یک قرارداد را اثبات کند.<sup>۱۸</sup> با وجود تلاش فراوان برای اثبات تعهدآوری وعده انتخاباتی، دادگاه‌ها وعده را مانند تعهدات خانوادگی فاقد الزام حقوقی می‌دانند و قائل به لزوم اثبات وجود قصد التزام به وعده هستند. اوضاع و احوال نیز بر وجود چنین قصد التزامی گواهی می‌دهد. در واقع، مقامات منتخب گاهی اوقات تلاش می‌کنند این تصور را ایجاد کنند که وعده انتخاباتی آن‌ها مانند دیگر وعده‌های سیاسی نیست. در این صورت حتی اگر یک نفر باور کند که این وعده در پی ایجاد یک تعهد قانونی است دادگاه‌ها نباید اجازه دهند که نامزد در ورای فقدان قصد خود برای التزام حقوقی پنهان شود.<sup>۱۹</sup>

البته، حتی در فرض عدم احراز قصد التزام از سوی برخی، دکترین اتکا<sup>۲۰</sup> به منظور اثبات الزام‌آوری حقوقی وعده مطرح شده است (Henderson, 1969: 343). این دکترین بر لزوم اجرای وعده‌ها از آن روی که موعودله اتکای زیان‌بار بر آن وعده کرده است دلالت دارد (Boyer, 1950: 459). در این نظریه، بر دو سؤال تمرکز می‌شود؛ نخست اینکه آیا وعده‌ای که لازمه‌اش انتظار برآورد عملی آن از سوی رأی‌دهندگان باشد وجود دارد؟ و اینکه آیا وعده اقتضای چنین عمل یا تحملی را دارد؟ از دیگر شرایط نظریه آن است که وعده باید در قالب بیان واقعیتی باشد که واقع خواهد شد نه در قالب یک ایده و نظریه.<sup>۲۱</sup> همچنین باید مادی باشد؛<sup>۲۲</sup> یعنی باید اثبات شود که رأی‌دهنده به واقعیت نادرست مطرح‌شده توسط رأی‌دهنده در تصمیم خود توجه کرده است.<sup>۲۳</sup> در نهایت، اتکا باید معقول باشد؛ یعنی رأی‌دهنده معتقد باشد که تبلیغات نامزد، در عین عبارت‌پردازی و استخدام واژگان زیبا و فریبنده، بیانگر نیت واقعی نامزد نسبت به امری در آینده است.<sup>۲۴</sup> به عبارت دیگر، رأی‌دهنده به مثابه یک شخص عاقل وعده نامزد را حاکی از قصد واقعی وی نسبت به محقق کردن امر موعود در آینده بداند.<sup>۲۵</sup>

با وجود بیان این تلاش‌ها، باید توجه داشت که در نهایت اعتماد و پاسداشت تلاش‌های

فکری مستند به استاپل و اتکا به منظور احراز مسئولیت حقوقی و قضایی در قبال نقض وعده‌های انتخاباتی با سختی‌هایی مواجه خواهد شد؛ مانند تفاوت میان مقام نظر و اجرا، پیشامد کردن اقتضائات جدید و تغییر اوضاع، تدریجی الوصول بودن وعده‌ها، خام بودن وعده و لزوم کار کارشناسی بر ابعاد آن، لزوم تأیید یا تصویب توسط مراجع یا افراد دیگر، و نقض وعده با هدف دروغ‌گویی برای کسب رأی بیشتر.

در این میان، با توجه به یکسان نبودن تأثیر اسباب فوق بر مسئولیت حقوقی و از سوی دیگر صعوبت و سختی در تمیزدهی تأثیر این موارد از یک‌دیگر، فرض مسئولیت حقوقی را در عمل با چالش مواجه خواهد کرد؛ خاصه اینکه اظهار نظر قضایی در این قبیل موضوعات دایرمدار متغیرهای متعدد و مختلف است و چه‌بسا تصمیم‌سازی در این حوزه را تصمیمی سلیقه‌ای جلوه دهد، همچنان که برخی علل فوق، مانند تدریجی الحصول بودن برخی وعده‌ها یا لزوم کار کارشناسی بیشتر، دخیل بودن مراجع دیگر در تصمیم‌گیری، ممکن است احراز مسئولیت حقوقی را در برخی موارد تا پایان دوره نمایندگی و حتی بعد از آن به تعویق اندازد و غیر ممکن کند.

### ۳. ملاحظات در باب رویکرد حقوقی به نقض وعده‌های انتخاباتی

در ادامه به بیان برخی ملاحظات در مواجهه حقوقی با مسئله نقض وعده‌های انتخاباتی پرداخته خواهد شد که عمده برداشت از این ملاحظات سختی برخورد حقوقی با عدم ایفا و نقض وعده‌های انتخاباتی خواهد بود.

#### ۳-۱. لزوم تحقق «موضوع: ضرر» و چالش‌های آن

نخستین نکته در تشخیص ضرر ناشی از نقض وعده‌های انتخاباتی ابهام در مبنای ضرر است. توضیح آنکه اکثر محققانی که اجرای وعده‌های انتخاباتی توسط دولت را مورد مطالعه قرار می‌دهند به این نتیجه اشاره کرده‌اند که میان وعده‌ها و اقدامات دولت تطابق بسیاری وجود دارد؛ اما عموماً شهروندان ارزیابی منفی از عملکرد سیاستمداران در عمل به وعده‌هایشان دارند (Anderson & Guillory, 1997: 66-81). البته این تفاوت می‌تواند ناشی از این باشد که مردم بر برداشت خود از وعده‌ها تمرکز می‌کنند. اما محققان در بررسی میزان وفای به وعده توسط وعده‌دهنده تنها وعده‌های بیان‌شده در اسناد رسمی منتشرشده از سوی حزب را مبنا قرار می‌دهند. البته می‌توان این شکاف را از طریق بهبود کیفیت اطلاعات مربوط به وفای



به عهد از سوی دست‌اندرکاران سیاسی و رسانه‌ها و نیز تقاضای شفافیت و پاسخگویی بیشتر در عملکرد کارگزاران کاهش داد. اما، به هر روی، برداشت رأی‌دهندگان در نقض وعده‌های انتخاباتی تحت تأثیر ویژگی‌های فردی کارگزاران سیاسی-مانند تحصیلات، درآمد، جنسیت، سن، محل تولد- و نیز تحصیلات و درآمد رأی‌دهندگان قرار دارد. همچنین، ارتباط معناداری میان سطح اطلاعات سیاسی و درک وفای به وعده‌ها وجود دارد (Althaus, 2003: 34; Kuklinski & Quirk, 2000: 89). همچنین قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها می‌تواند اعتقاد به نقض وعده‌ها را توسعه دهد؛ چه آنکه غالباً رسانه‌ها گرایش به بدبینی سیاسی دارند (Nadeau, 2009: 25). همچنین، تجربیات روزانه مردم در تعامل با نظام سیاسی هر چه گسترده‌تر و منفی‌تر باشد وفاداری کارگزاران به وعده‌ها را ضعیف‌تر جلوه خواهد داد (Naurin, 2011: 210). حزب‌گرایی نیز عاملی دیگر در باور مردم به نقض وعده‌های انتخاباتی است (Fiorina, 1981: 180; Thomson, 2001: 76). همچنین، مردم برخلاف فعالان سیاسی سطح سیاسی لازم را برای ایجاد تمایز و جزئیات در مورد اینکه دقیقاً چه وعده‌ای داده شده و چه زمانی محقق می‌شود و توسط چه کسی انجام خواهد شد ندارند. از این رو، نباید انتظار داشت که اجرای واقعی وعده بر ارزیابی شهروندان تأثیر گذارد (Milner, 2001: 67).

مستدل به ادله بیان‌شده، مفهوم ضرر مفهومی نسبی و شکننده است؛ به خصوص برخلاف فعالان سیاسی که توجه خود را بر تحقق وعده‌ها به عنوان تصمیمات (خروجی‌ها)<sup>۲۶</sup> متمرکز می‌کنند. اما شهروندان به تأثیر تحقق وعده‌ها بر جامعه (نتیجه)<sup>۲۷</sup> فکر می‌کنند و نتیجه امری شخصی و بسته به تجربیات شخصی افراد در ارزیابی دولت است؛ اما خروجی خیر.

افزون بر قبض و بسط «مفهوم ضرر» ناشی از نقض وعده‌های انتخاباتی از حیث «مصدق ضرر» و جامعیت مصداقی، ضرر فقط ضررهای وارد بر شهروندان را شامل نمی‌شود و آثار وارد بر نظام (انتخاباتی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی) و سلب اعتماد و مشارکت مردم در انتخابات را نیز در بر می‌گیرد. توضیح آنکه با توجه به مداخلت عرف در تشخیص ضرر (صفایی، ۱۳۹۲: ۹۷) ضرری که ناشی از عدم اجرای وعده‌های انتخاباتی است به انواع مختلف تقسیم می‌شود؛ از جمله اینکه در دارایی اشخاص تغییر ایجاد می‌کند (مانند اینکه شخصی وعده‌ای بدهد که اگر در انتخابات پیروز شود به کسب‌وکار معینی مبلغی وام تعلق خواهد گرفت و پس از پیروزی این شخص فردی به اعتماد آن وعده‌ها خانه مسکونی خود را به

فروش رساند و چنین کسب‌وکاری را راه اندازد، اما، بعداً وعده تسهیلات محقق نشود و به دلیل اوضاع اقتصادی توان اقتصادی خرید همان خانه سابق را نداشته باشد). همچنین، ضرر دیگری که به قضاوت عرف واگذار می‌شود خسارت معنوی ناشی از عدم تحقق وعده‌هاست که خواه‌ناخواه سبب تألم و ناراحتی اشخاص یک جامعه می‌شود. البته صرف ناراحتی را نمی‌توان با خسارت معنوی برابر دانست و باید مرزی بین آن‌ها ترسیم شود. چون باید علت مستقیم ورود خسارت عدم اجرای آن وعده‌ها باشد و خسارت وارد شده دور از ذهن نباشد. چون ضرری که پیش‌بینی‌ناپذیر باشد غیر قابل جبران محسوب می‌شود (شعاریان، ۱۳۹۰: ۳۸۲). نکته دیگر در مصادیق ضرر و زیان معنوی تأثیر نقض وعده‌های انتخاباتی بر مشروعیت حکومت در پیشگاه افکار عمومی (در سطح داخلی و بین‌المللی) است؛ به عبارت دیگر گاهی در اثر نقض وعده‌های انتخاباتی سلب اعتماد عمومی از فرایند انتخابات و نظام سیاسی رخ می‌دهد و مشروعیت یا به عبارتی مقبولیت یک حکومت با چالش روبه‌رو می‌شود. چون موضوع بدعهدی موجب می‌شود شهروندان از کارایی حکومت ناامید شوند و پس از مدتی حتی قول صادق و رفتار معقول و منطقی کارگزاران برای شهروندان پذیرفتنی نباشد و تحت مطامع سیاسی و رفتارهای فریبکارانه تحلیل شود.

هم‌سو با نکته اخیر و به منظور حمایت حقوقی از ثبات و گسترش اعتماد افکار عمومی به انتخابات، به عنوان مجرای برای مشارکت واقعی و حقیقی مردم در اداره امور کشور، در قضیه *Gaison v. Louisiana* دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا بیان کرد: «یک سخنرانی دروغ‌آمیز توسط یک مقام سیاسی از حمایت قانون اساسی برخوردار نخواهد بود و در تضاد کامل با اصول دموکراسی و نظم اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است».<sup>۲۸</sup> به عبارت دیگر باید نفع مشروع دولت در حفظ تمامیت و یکپارچگی فرایند انتخابات نیز در نظر گرفته شود و این مطلب در حمایت از حقوق مردم در برابر وعده‌های انتخاباتی مد نظر قرار گیرد.<sup>۲۹</sup>

### ۳-۲. لزوم اثبات «سببیت» میان وعده و رأی

چنانچه عرف خسارات و ضررهای به‌وجودآمده را به وعده‌دهنده استناد دهد، وی مسئول خواهد بود. اما، منتج از آمار، درک ما از نحوه پردازش این اطلاعات توسط رأی‌دهندگان و استفاده از آن در انتخاب رأی محدود است.<sup>۳۰</sup> این مشکل به‌ویژه در دموکراسی‌های کمتر تثبیت‌شده، که در آن رأی‌دهندگان اطلاعات محدودی در مورد نامزدها و عملکرد سیاستمداران

دارند، بیشتر است. سختی این تفکیک می‌تواند تا حدودی ناشی از «دشواری تفکیک تصمیمات سیاستی گذشته مدیران فعلی از وعده‌های نامزدها در رابطه با سیاست‌های آتی» باشد. همچنین، نمی‌توان وابستگی‌های حزبی را در عمل حقوقی رأی بی‌تأثیر دانست؛ بدان معنا که برنامه نامزد اساساً تأثیری بر متقاعد شدن رأی‌دهندگان نداشته باشد (Lenz, 2013: 78). بر همین اساس است که برخی از نویسندگان اصل علیت میان وعده و رأی را انکار می‌کنند و بر این باورند که هیچ وعده انتخاباتی نمی‌تواند باور رأی‌دهندگان را در مورد اینکه یک نامزد انتخاباتی بعد از انتخاب شدن چه اقدامی باید انجام دهد تغییر دهد (Aragonès, 2007: 847)؛ همچنان که نامزدهای دارای شهرت مثبت یا آنان که هرگز در انتخابات شرکت نکرده‌اند به هر وعده‌ای که انجام دادن آن هزینه زیادی نداشته باشد عمل می‌کنند و نامزدهای بدشهرت نیز سیاست مطلوب خود را بدون توجه به هر وعده‌ای اجرا می‌کنند (Aragonès, 2007: 851). به نظر می‌رسد، افزون بر اثبات اصل علیت، سنجش میزان اعتقاد رأی‌دهندگان به «امتناع در تحقق وعده‌ها به دلیل غیر قانونی بودن یا خروج وعده از صلاحیت وعده‌دهنده و...» ضرورت دارد و جزء دشواری‌های اثبات رابطه سببیت به شمار می‌آید.

### ۳-۳. لزوم فازی‌نگری و درجه‌بندی وعده‌ها

در عمل، ارزش همه وعده‌های انتخاباتی به صورت مساوی در نظر گرفته می‌شود (Kalogeropoulou, 1989: 289). زیرا با شکستن هر وعده تعهدی الزام‌آور نقض می‌شود (Schedler, 1998: 198). اما اصل نمایندگی و مردم‌سالاری ایجاب می‌کند اهمیت هنجاری وعده‌ها، که رأی‌دهندگان را قادر می‌سازد میان نامزدهای مختلف انتخاب دموکراتیک معناداری داشته باشند، مشخص شود. افزون بر این، همه چیز درجه‌ای است و چنین نیست که پدیده‌های واقعی تنها  $A$  یا  $\sim A$  یا سیاه و سفید یا صفر و یک باشند؛ هر پدیده‌ای تا اندازه‌ای خاکستری، فازی، مبهم، و غیر دقیق است (Klir & Yuan, 1996: 18). مبتنی بر این رویکرد، برخی مطالعات حاکی از آن است که تفکیک دوگانه «تحقق کامل یا برآوردگی ناقص»<sup>۳۱</sup> و «عدم تحقق کامل»<sup>۳۲</sup> وعده‌ها بهتر از سه‌گانه «تا حدی»، «به طور کامل»، و «انجام‌نشده» (Thomson, 2001: 171) است و در واقع این درجه‌بندی هم‌سویی بیشتر با «عدالت» در جعل مسئولیت حقوقی در قبال نقض وعده‌های انتخاباتی خواهد داشت.

بر همین اساس، باید وعده‌های مربوط به نتایج<sup>۳۳</sup> (مانند کاهش بی‌کاری و کاهش کسری

بودجه و افزایش امنیت، که رعایت آن‌ها نه تنها به تصمیمات دولت وعده‌دهنده بلکه به عوامل خارجی نیز بستگی دارد) از وعده‌های مربوط به اقدامات<sup>۳۴</sup> (مانند ارائه یارانه به شرکت‌ها برای استخدام ۱۹۵ بی‌کار و افزایش خدمات برای معلولان و افزایش تعداد نیروهای انتظامی در خیابان‌ها که تحقق آن تنها به کابینه بستگی دارد) تفکیک شود. در تعهد به وسیله (یا تعهد به اقدام) اگر نتیجه مطلوب به دست نیاید، متعهدله در صورتی می‌تواند از متعهد خسارت بگیرد که تقصیر وی را اثبات کند. اما، در تعهد به نتیجه، وعده‌دهنده باید نتیجه را در اختیار طرف مقابل قرار دهد (امامی، ۱۳۴۰: ۴۵۹)؛ جز در صورت وقوع قوه قاهره (صفایی، ۱۳۸۶: ۴۰۴). نامزدهای انتخاباتی نیز عمدتاً میزان پایبندی خود به تعهدات انتخاباتی را بسته به محدودیت‌های نهادی و شرایط اقتصادی می‌بینند (Rallings, 1987: 9-11). به عبارت دیگر، در صورت صدق قوه قاهره (فورس ماژور)، نقض وعده به نتیجه مسئولیت‌آفرین نخواهد بود. البته معذرت این محدودیت‌ها و شرایط اقتصادی در صورتی است که وصف دوام داشته باشند یا مدت آن‌ها بیشتر از مدت زمان تصدی مسئولیت توسط نامزد وعده‌دهنده باشد.<sup>۳۵</sup>

به هر روی، بهترین منبع برای تشخیص نوع وعده از حیث وعده به اقدام یا نتیجه عبارات خود وعده‌دهنده است؛ گرچه در فقدان دلیل یا اماره وعده‌های مدنی و سیاسی از نوع وعده به نتیجه است و وعده اقتصادی غالباً از نوع تعهد به وسیله به نظر می‌رسد.

نکته دیگر آنکه در میان وعده‌های به اقدام باید میان سه نوع تعهد به اقدام تمایز قائل شد:

- وعده‌های غیر قابل آزمایش،<sup>۳۶</sup> به دلیل ابهام یا ارتباط با ارزش‌ها یا هنجارها؛ مانند تعهد به ارائه خدمات به معلولان.
- وعده‌های غیر دقیق،<sup>۳۷</sup> که تحقق آن‌ها قابل آزمایش است، اما به تصمیم‌گیرنده میزان مشخصی از صلاح‌دید را اعطا می‌کند؛ مانند کاهش مالیات.
- وعده‌های دقیق،<sup>۳۸</sup> که تحقق آن‌ها دقیقاً تعریف شده و درصدی اختیار برای مکلف باقی نگذاشته است؛ مانند کاهش مالیات بر درآمد به میزان ۳ درصد برای همه کارکنان بخش خصوصی.

اثر این تقسیم‌بندی بر حکم حقوقی نقض وعده‌ها در برخی مطالعات نظری نشان داده شده است. براندنبرگ و همکارانش در نوشته‌ای سعی کرده‌اند نشان دهند احزاب به دلیل نقض وعده‌هایی که جانبی نیستند مورد پاسخگویی قرار می‌گیرند و در عوض نسبت به

وعده‌های حاشیه‌ای که رأی‌دهندگان از آن بی‌اطلاع‌اند پاسخی خواسته نمی‌شود (Brandenburg, 2019: 211). به عبارت دیگر، نقض وعده‌هایی که به عنوان محور در برنامه انتخاباتی نامزد تلقی می‌شود فرایند دموکراتیک را بیش از شکستن وعده‌هایی که حاشیه‌ای تلقی می‌شوند تهدید می‌کند. زیرا رأی‌دهندگان با شکاف و فاصله بیشتری میان انتظاراتشان و آنچه واقع شده مواجه می‌شوند.

### ۳-۴. ملاحظه «جبران حداکثری نقض وعده» و چالش‌های آن

اخذ راهکار جبرانی مناسب برای پاسخ به ادعاهای ناشی از نقض وعده‌های انتخاباتی بیشترین مشکلات را در بر دارد. از این رو در میان راه‌حل‌های موجود تنها سه مورد بررسی می‌شود: برکناری، اجبار بر اجرای خاص و موردی یک وعده،<sup>۳۹</sup> خسارت مالی.<sup>۴۰</sup>

نسبت به راهکار «برکناری» یا ابطال انتخابات این فرض پذیرفته شده که فرایندهای سیاسی بهتر از نظام قضایی می‌تواند به این قبیل مسائل رسیدگی کند. در پرونده‌های مطرح در حقوق تطبیقی، دادگاه به دلیل عدم امکان استفاده از برخی ادله آیین دادرسی مانند شهادت شهروندی ذی‌نفع علیه شهروند رأی‌دهنده دیگر و سختی تشخیص اراده واقعی مردم در انتخابات از ابطال انتخابات خودداری کرده است. در یکی از این آراء، دادگاه تصریح کرد: «هرگاه عمل مقامی سیاسی مانند نماینده پارلمان مورد اعتراض قرار می‌گیرد، بررسی‌ها به 'قدرت' محدود و مقید می‌شود، نه آنکه بررسی مواردی مانند مصلحت شهروندان و انگیزه قانون‌گذار و دلایلی که ایشان برای تصویب قانون مد نظر داشته‌اند ملاک عمل قرار گیرد». بر این اساس، پرونده‌ها تقریباً حتی از بررسی امکان سلب صلاحیت مقامی که قبل از رأی‌گیری رسمی در مورد موضوعی وعده به رأیی خاص در قبال دیگران داده‌اند خودداری کرده‌اند.<sup>۴۱</sup> از این رو، کنار نهادن و اجبار به استعفا دولت (به عنوان مثال) راهکاری مناسب به شمار نیامده است. چه آنکه مسئولیت‌های دولت در اجرای قانون را مختل خواهد کرد.<sup>۴۲</sup>

از حیث فقهی، اما، در خصوص ماهیت شرکت مردم، چنانچه انتخابات ذیل «نظریه انتصاب» و مشورتی غیر الزام‌آور برای حاکم اسلامی تحلیل شود، نمی‌توان وعده‌های انتخاباتی و نقض آن را موجب مسئولیت حقوقی وعده‌دهنده دانست. چه آنکه، گرچه در این منظومه ماهیت رأی مردم (مشورت به حاکم) بر اساس یا با چشم‌داشت وعده‌های انتخاباتی است، الزامی به تبعیت از این مشورت برای حاکم نیست (الحکیم، ۱۴۱۲: ۱۲۲؛ سبحانی، ۱۳۶۲: ۲۸)

و ضرری متوجه مراجعه‌کننده (حاکم) به منظور شناسایی «ضمان مشاور (مردم)» و نیز منبع مورد اعتماد مشاور (وعده‌های نامزدهای انتخاباتی) نشده است. همچنین گفتنی است در فرض اول (نظریه انتصاب) نیز با وجود مشروعیت الهی کارگزار استمرار مشروعیت تصدی پیوندی با وعده‌ها و لزوم عمل به آن‌ها نخواهد داشت؛ مگر آنکه نقض وعده به نفعی عدالت و تقوا در حاکم منجر شود. همچنین باید توجه داشت که مشروعیت یا عدم مشروعیت تصدی مسئولیتی سیاسی است.

در برابر نظریه انتصاب، چنانچه نظریه مشروعیت سیاسی «انتخاب» و اعطای ولایت از سوی مردم به کارگزاران در انتخابات پذیرفته باشد، در صورت احراز تأثیر وعده‌ها در اصل انتخاب و با توجه به میزان تأثیر و نیز سایر معیارهای مطرح‌شده در این نوشتار، نقض وعده بر مشروعیت استمرار تصدی منتخَب تأثیرگذار خواهد بود. نتیجه‌ی اخیر مبتنی بر ادله‌ی مختلف است؛ از جمله اینکه اعطای ولایت به کارگزار در جریان انتخابات مشروط به اجرای وعده‌هاست و از سویی در فرض همسویی مصلحت مردم با وعده‌های داده‌شده وفا نکردن به وعده‌ها به نوعی نقض شرط اساسی ولایت، یعنی «عمل بر طبق غبطه و مصلحت مردم» و نفعی شرط عدالت، خواهد بود. فقها مطرح کرده‌اند که در صورت تخلف از تعهدات قابلیت عزل و در حالت عدم اعمال مصلحت مردم قابلیت انزال وجود خواهد داشت (← شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۴/۱۳۴). اما در خصوص راهکار «اجبار» به نظر می‌رسد، برخلاف دعاوی خصوصی، اجبار منتخَب به انجام دادن یک اقدام خاص بر اساس حراست از انتظارات گروه خاصی از رأی‌دهندگان شیوه نامناسبی از تسلیم حقوق رأی‌دهندگان خواهد بود. چون با توجه به وعده‌های متعدد نامزد انتخابات ممکن است برخی از حامیان نامزد به وعده‌ای تکیه کرده باشند، برخی دیگر به قول دیگری، و برخی دیگر نیز به هیچ‌یک از وعده‌های او تکیه نکرده باشند. اما، در صورت پذیرش این راهکار، بدل از رویکرد «اتمام رابطه‌ی ذی‌نفع و متعهد» بر الزام به تحقق وعده تکیه می‌شود و در فرض عدم امکان رابطه‌ی حقوقی بر هم زده خواهد شد؛ به‌خصوص که بهره‌گیری از استعفا یا الزام به استعفا تحقق وعده‌ها را غیرممکن (تر) یا دچار اطاله خواهد کرد. از حیث فقهی نیز مناط «توجه به غبطه مردم» است و لزوماً عمل به وعده با اعمال مصلحت مردم نباید همسان انگاشته شود و در صورتی که مصلحت با وعده پیشینی در تنافی قرار گیرد ملاک مصلحت خواهد بود. از نظر حقوقی نیز الزام مقامات به اجرای

وعده‌های احمقانه در تبلیغات انتخاباتی محدودیتی نابخردانه بر توانایی مقامات برای سازگاری و واکنش به رویدادهای در حال تغییر ایجاد می‌کند.<sup>۴۳</sup> به عبارت دقیق‌تر، آنچه معیار اعمال ولایت از سوی کارگزاران است مراعات غبطه و مصلحت شهروندان است؛ مگر آنکه اجبار به آن دست از وعده‌ها صورت پذیرد که قانونی و عقلایی و ممکن به نظر می‌رسد. رویه‌های قضایی متعددی نیز در خصوص اجبار به اجرای وعده‌ها وجود دارد.<sup>۴۴</sup> در فقه نیز چنانچه بتوان انتخابات را بر مبنای تحلیل‌های ابتدای نوشتار دارای ماهیتی قراردادی دانست، در صورت عدم اجرای تعهد، موجب انفساخ عقد یا پیدایش حق فسخ با بقای حق اجبار برای متعهدله خواهد بود (گرجی، ۱۳۶۵: ۴۴).

البته روش مالی برای جبران وعده‌های نقض‌شده با مشکل کمتری روبه‌روست؛ از جمله تعیین مبلغی برای منافع مورد انتظار واقع‌شده رأی‌دهندگان و نیز تعیین هزینه ترتیب دادن یک راهکار جایگزین. در خصوص شخص ملزم به تأدیة خسارت نیز سه فرض متصور است؛ شخص نامزد، ارگان دولتی که وی برای آن انتخاب شده، کمیته یا حزب انتخاباتی نامزد. در خصوص فرض نخست (مسئولیت شخصی<sup>۴۵</sup>) این اشکال پیش می‌آید که نامزدهای توانمند، ولی دارای سرمایه اندک، از کاندیدا شدن و ورود به عرصه انتخابات منصرف شوند. افزون بر اینکه گاهی فرد به صورت ناآگاهانه وعده‌هایی را مطرح می‌کند و در ایجاد انتظارات معقول برای رأی‌دهندگان مقصر نیست.

فرض دوم از آن روی مناسب است که منبع جبران آن به راحتی در دسترس است؛ ولی بودجه عمومی را که متعلق به عموم مردم است صرف اشخاص حقیقی خاصی (یا همان رأی‌دهندگان متکی به وعده‌های ایفانشده) می‌کند (بازتوزیع ناقص)؛ افزون بر اینکه مقدار آن مشخص نیست و احتمال طرح خسارات روزافزون در این زمینه وجود دارد. همچنین این رویکرد بار نهایی را بر دوش پرداخت‌کنندگان مالیات قرار می‌دهد.

فرض سوم کمیته انتخاباتی یا همان پویش جمعی نامزد انتخاباتی است که به عنوان یک شخص حقوقی قادر به انعقاد قرارداد در طول مبارزات انتخاباتی است و غالباً در کشورهایی مانند امریکا پس از انتخابات نیز موجود است و به نظر می‌رسد در میان فروض متصور، به دلیل نبود مشکلات قبلی، فرض مناسب‌تری باشد؛ چنان که همین پویش در ایالات متحده امریکا نسبت به پیگیری افترا علیه نامزدها دارای صلاحیت قانونی است.<sup>۴۶</sup> البته این راهکار در

ایران به دلیل نبود چنین شرایطی قابلیت پیگیری نخواهد داشت و از این رو در کنار چالش‌های مطرح شده در سایر قسمت‌های این نوشتار باید شیوه جبران مالی را نیز جزء دیگر چالش‌های مواجهه حقوقی با مسئله عدم جبران و نقض وعده‌های انتخاباتی در نظر گرفت.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

به عنوان نتایج این نوشتار و تحلیل پاسخ به سؤال اصلی این نوشته، به نظر می‌رسد، گرچه حمایت حقوقی از وعده‌های انتخاباتی به عنوان «لازمه» شناسایی «حق تعیین سرنوشت» و نیز ضمانت اجرای «حق بر مشارکت سیاسی» و به منظور تثبیت و تکریم حقوق رأی‌دهندگان ضرورت دارد، در حقوق تطبیقی، نسبت به برخورد قضایی با نقض وعده‌ها، به‌خصوص به دلیل در پی داشتن نقض اصل تفکیک قوا و سلیقه‌ای شدن احراز نقض وعده‌ها و ارکان مسئولیت، تردیدهایی جدی وجود دارد و فاقد سازکار حقوقی صریح و مشخص است. به عبارت دیگر، مناسب بودن جبران و نیز اتخاذ ضمانت اجرا در قبال نقض وعده‌های انتخاباتی ذیل بایسته‌ها و ملاحظات گوناگون باید محقق شود؛ از جمله «تحلیل فازی مفهوم ضرر و عدم تحقق وعده و درجه‌بندی انواع وعده»، «اثبات رابطه علیت میان وعده و رأی»، «جبران حداکثری آثار نقض». اما، از این بایسته‌ها، عمده سختی برخورد حقوقی ادراک می‌شود. در واقع، از چالش‌های بار کردن مسئولیت مدنی، که ناشی از ذات امر انتخابات است، تشخیص زیان‌دیدگان و امتداد درجه تأثیر وعده‌ها بر انتخاب‌پذیری وعده‌دهنده است؛ به‌خصوص که رأی به دلیل سازگاری با اصل آزادی امری مخفی است (وفق ماده ۹ قانون انتخابات ریاست‌جمهوری مصوب ۱۳۶۴ و ماده ۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲) و کسی از تصمیم صاحب رأی آگاهی ندارد و به‌تبع سختی تحقق این ملاکات و سلیقه‌ای شدن برخی از آن‌ها چالش‌هایی جدی در امکان برخورد حقوقی با نقض وعده‌های انتخاباتی پدید می‌آورد.

از جمله این سختی‌ها می‌توان به تفاوت میان مقام نظر و اجرا، پیشامد کردن اقتضائات جدید و تغییر اوضاع، تدریجی الوصول بودن وعده‌ها، خام بودن وعده و لزوم کار کارشناسی بر ابعاد آن، لزوم تأیید یا تصویب توسط مراجع یا افراد دیگر، و نیز نقض وعده با هدف دروغ‌گویی برای کسب رأی بیشتر اشاره کرد.

در این میان، یکسان نبودن تأثیر اسباب فوق بر مسئولیت حقوقی و سختی در تمیزدهی



تأثیر این موارد از یک‌دیگر بر مشکلات حمایت قضایی از وعده‌های انتخاباتی خواهد افزود. همچنان که برخی علل یادشده، مانند تدریجی الحصول بودن برخی وعده‌ها یا لزوم کار کارشناسی بیشتر، دخیل بودن مراجع دیگر در تصمیم‌گیری، ممکن است احراز مسئولیت حقوقی را در برخی موارد تا پایان دوره نمایندگی و حتی بعد از آن به تعویق اندازد و غیرممکن کند.

با تکیه بر نکات یادشده، می‌توان بر اهمیت مقابله پیشگیرانه حقوقی با وعده‌های خارج از اختیارات یا وعده‌های ممتنع الوقوع و توسعه فرهنگ سیاسی به منظور احتراز از وقوع خطا در تحلیل و اعتماد به وعده‌های انتخاباتی و نیز حق دسترسی به اطلاعات توسط مردم در بستر انتخابات تأکید کرد. نیز می‌توان به دو پیشنهاد دیگر توجه داشت. پیشنهاد نخست: بهبود کیفیت آمار و اطلاعات مربوط به وفای به وعود از سوی مقامات منتخب و رسانه‌ها و نیز تقاضای شفافیت و پاسخگویی سیاسی بیشتر در عملکرد کارگزاران (به منظور کاستن از فاصله میان «تصور» نقض وعده و «واقعیت»). در این زمینه ورود گزارش‌های نظارتی و مدنی و قضایی در حوزه عمل به وعده‌های انتخاباتی به نهادهایی مانند شورای نگهبان به منظور تأثیر دادن بر فرایند احراز صلاحیت می‌تواند پاسخگویی در برابر وعده‌های انتخاباتی را بیشتر و نهادینه کند. پیشنهاد دوم: تدوین مشروح و شفاف و کارشناسی شده برنامه‌ها و وعده‌ها از سوی نامزدهای انتخاباتی و انتشار آن به منظور اطلاع عموم و طرح آن در مناظرات تخصصی در دوره تبلیغات انتخاباتی به منظور تشخیص امکان تحقق و کارشناسی بودن وعده‌ها. در همین زمینه، طراحی سامانه‌های اطلاع‌رسانی مختص وعده‌ها از سوی حزب یا شخص منتخب با امکان نظارت مردم به صحت اطلاعات مربوط به وفای به وعده‌ها و نیز اعتراض به اطلاعات منتشرشده می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

## یادداشت‌ها

۱. البته برخی از نوشته‌ها بر اساس این باور است که وعده‌های تبلیغاتی تنها زمانی مهم است که «رویکرد به نامزدها در صورت نادیده گرفتن وعده‌هایشان» با «رویکرد به ایشان در صورت تحقق وعده‌ها» متفاوت باشد. به این معنا که نتیجه انتخابات آینده پس از تحقق یا عدم تحقق وعده‌ها متفاوت باشد (Aragonès et al., 2007: 851).

2. See: Downs, 1957: 87; Gidengil, 2004: 98; Manin, 1997: 23; Schedler, 1998: 191-214.

۳. ← مانده / ۹؛ توبه / ۶۸؛ ق / ۲۸.



۴. پیوند دسترسی به این فتوا:

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=21&lid=0&catid=42513&mid=266167>

5. The Kentucky Corrupt Campaign Practices Act

6. See: 456 U.S. 45 (1982). Available at:

<https://supreme.justia.com/cases/federal/us/456/45/>

7. → 456 U.S. at 55. Available at:

<https://supreme.justia.com/cases/federal/us/456/45/>

پرونده دیگری که در آن دادگاه قائل به نبود صلاحیت قانونی لازم برای نامزد جهت اجرایی کردن وعده شده عبارت است از:

O'Reilly v. Mitchel, 148 N.Y.S. 88 (Sup. Ct. 1914), discussed *infra* notes 124-27.

8. → 107 So. at 129. Available at:

<https://supreme.justia.com/cases/federal/us/176/207/>

9. See: 435 S.W.2d 288 (Tex. Civ. App. 1968). Available at: <https://case-law.vlex.com/vid/city-of-farmers-branch-889561754>

10. → 435 S.W.2d at 292.

11. → Izaak Walton League of Am. v. Monroe County, 448 So. 2d 1170, 1171 (Fla. Dist. Ct. App. 1984). Available at:

[https://supremecourt.flcourts.gov/content/download/345988/file/11-](https://supremecourt.flcourts.gov/content/download/345988/file/11-1484_JurisIni.pdf)

1484\_JurisIni.pdf

12. the bargain theory

این نظریه در پی تعیین آن است که چه وعده‌هایی از نظر قانونی لازم‌الاجرا هستند. بر اساس این نظریه، وعده‌ای که در معامله داده شده باید اجرا شود؛ وگرنه نباید وجود می‌داشت (Eisenberg, 1982: 750).

13. the doctrine of promissory estoppel

اصل استاپل عهده‌ی بر دو امر استوار است. امر نخست: تضاد و تناقض میان دو رفتار یا دو گفتار یا دو موضع به اشکال مختلف؛ خواه این گفتار و رفتار مثبت باشد خواه منفی و انفعالی و خواه اظهارات مربوط به گذشته باشد یا حال یا آینده. ولی اظهار مربوط به آینده نمی‌تواند استاپلی ایجاد کند؛ مگر آنکه اظهارات دربرگیرنده وعده انجام دادن یا عدم انجام دادن کاری در آینده باشد. امر دوم: اعتقاد و اعتماد طرف مقابل به وی و اظهاراتش مسجل باشد (گایبار، ۱۳۶۵: ۲۴۵). در این نوع استاپل، که مبتنی بر انصاف است، شخص با گفتار و کردار خود باعث می‌شود شخص دیگر به وجود وضعیت خاصی اعتقاد پیدا کند و بر اساس این اعتقاد به زیان خود عمل کند. در این فرض، شخص یادشده ممنوع از نفی وجود آن وضعیت خواهد بود. این اصل از حیث محتوا شبیه اصل انتظارات مشروع در حقوق و نیز قاعده غرور در فقه اسلامی است؛ به نحوی که حتی برخی قاعده استاپل را همان ادبیاتی دانسته‌اند که به صورت کلاسیک و سنتی در دهه‌های اولیه شناسایی انتظارات مشروع از آن استفاده می‌شده است و هر دو به نوعی به ثبات حقوق افراد کمک می‌کند، با این تفاوت که قلمرو اعمال انتظارات مشروع صرفاً در حوزه حقوق عمومی و در ارتباط میان افراد و دولت است (مشایخی و آدابی، ۱۳۹۸: ۶۹). همچنین از شباهت‌های میان قاعده استاپل با قاعده غرور در فقه آن است که تنها در موارد نبود علم در رأی‌دهندگان نسبت به عدم تحقق وعده‌ها تغیر و فریب رأی‌دهندگان و به عبارتی مجرای قاعده «غرور» فراهم می‌شود. البته در برخی موارد تغیر و نیز جریان این قاعده منتفی است. نخست، در جایی که هر دو طرف (غار و مغرور) عالم به عدم

امکان تحقق وعده‌های انتخاباتی‌اند؛ همچنان که واقعیت سیاست این است که دولت‌ها در عمل به همه اهداف خود دست نمی‌یابند (Froio, 2017: 692) و رأی‌دهندگان نیز از آن آگاه‌اند (Naurin & Oscarsson, 2017: 860) و همچنین می‌دانند وعده به ایجاد تغییرات معمولاً نسبت به تعهد به حفظ وضعیت موجود کمتر احتمال تحقق دارد (Costello & Thomson, 2008: 239). دوم، در جایی که غار ناآگاه به اوضاع کشور در وضع کنونی یا آینده است؛ اما مغرور عالم به امتناع در تحقق وعده‌های انتخاباتی باشد (← مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۲۸۳).

14. → Balfour v. Balfour, [1919] 2 K.B. 571, 578-79.

15. → Mitzel v. Hauck, 105 N.W.2d 378 (S.D. 1960).

16. → 148 N.Y.S. 88 (Sup. Ct. 1914). Available at: [https://www.nycourts.gov/courts/ad4/Clerk/Decisions/2009/08-28-09/all\\_decisions\\_08-28-09.pdf](https://www.nycourts.gov/courts/ad4/Clerk/Decisions/2009/08-28-09/all_decisions_08-28-09.pdf).

17. "Intention not to be legally bound" doctrine.

این نظریه از جمله نظریات مطرح در حقوق قراردادهای انگلیس و نیز نظام قضایی کامن‌لا است که وفق آن تنها در صورت وجود قصد حقوقی معتبر، مبنی بر التزام، یک قرارداد قابل اجرا خواهد بود. اما در صورت نبود صراحت یا قرائن دادگاه فرض می‌کند که طرفین قصد حقوقی مبنی بر التزام نداشته‌اند (Furmston, 2006: 151). مثلاً در سال ۱۹۱۹ قاضی لرد اتکین در پرونده Balfour v Balfour با استناد به همین نظریه اظهار داشت که وعده شوهر به همسرش، که تا زمانی که در سیلان کار می‌کند به وی نفقه بپردازد، از نظر قانونی قابل اجرا نیست. زیرا، با وجود اینکه این مسئله بی‌اهمیت است، چنانچه قائل به وجود قرارداد معتبر در این خصوص بشویم، باید همین حکم را در مورد همه توافقات کم‌ویش بی‌اهمیت در زندگی زناشویی بدهیم؛ درحالی‌که حقیقتاً قصد التزام حقوقی در آن‌ها وجود ندارد. برای دسترسی به متن پرونده ←

[https://www.uni-trier.de/fileadmin/fb5/FFA/KURSUNTERLAGEN/Anglo-Amerikanisches\\_Recht/Contract\\_Law/Siry\\_WS\\_2015\\_16/contract\\_p1\\_balfour\\_v\\_balfour.pdf](https://www.uni-trier.de/fileadmin/fb5/FFA/KURSUNTERLAGEN/Anglo-Amerikanisches_Recht/Contract_Law/Siry_WS_2015_16/contract_p1_balfour_v_balfour.pdf)

18. → O'Reilly v. Mitchel, 148 N.Y.S. at 89. Available at: [https://www.nycourts.gov/courts/ad4/Clerk/Decisions/2009/08-28-09/all\\_decisions\\_08-28-09.pdf](https://www.nycourts.gov/courts/ad4/Clerk/Decisions/2009/08-28-09/all_decisions_08-28-09.pdf).

19. → Lucy v. Zehmer, 84 S.E.2d 516 (Va. 1954); supra note 122. Available at: [https://www.vacourts.gov/courts/scv/orders\\_unpublished/161019.pdf](https://www.vacourts.gov/courts/scv/orders_unpublished/161019.pdf).

20. reliance or promissory estoppel

21. → RESTATEMENT (SECOND) OF TORTS § 538a (1976). Available at: <https://digitalcommons.law.umaryland.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2464&context=mlr>.

22. materiality

23. → TSC Indus., Inc. v. Northway, Inc., 426 U.S. 438, 449 (1976). Available at: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/426/438/>

24. RESTATEMENT (SECOND) OF TORTS § 538(2)(a) (1976) Available at: <https://digitalcommons.law.umaryland.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2464&context=mlr>.

25. → RESTATEMENT (SECOND) OF TORTS § 538(2)(a) (1976) Available at: <https://digitalcommons.law.umaryland.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2464&context=mlr>

xt=mlr

26. outputs

27. outcomes

28. → 379 U.S. at 75 (citation omitted). See: *Chaplinsky v. New Hampshire*, 315 U.S. 568, 571-72 (1942).

29. → 456 U.S. at 60 (quoting *New York Times Co. v. Sullivan*, 376 U.S. 254, 271-72 (1964)).

30. → Bidner, 2014: 25; Keefer and Vlaicu, 2017: 773.

31. fully fulfilled or partially fulfilled

32. not fulfilled

33. the pledges about outcomes

34. the pledges concerning actions

۳۵. برای ملاحظه مفروض‌انگاری وصف دوام در معذرت‌قوه قاهره ← صفایی، ۱۳۶۴: ۱۲۷.

36. non-testable pledges

37. imprecise pledges

38. precise pledges

39. specific enforcement

40. monetary damage awards

41. 257 So.2d at 104. Available at: <https://case-law.vlex.com/vid/izaak-walton-league-of-894990678>

42. → David K. Thompson, Note, *Equitable Estoppel of the Government*, 19 *CoLUM. L. REV.* 551, 554 (1979).

43. → *Taylor v. Caldwell*, 3 B.& s. 826, 122 Eng. Rep. 309 (K.B. 1863). Available at:

[https://www.researchgate.net/publication/335537580\\_Taylor\\_v\\_Caldwell\\_1863\\_3\\_B\\_S\\_826](https://www.researchgate.net/publication/335537580_Taylor_v_Caldwell_1863_3_B_S_826)

۴۴. در برخی پرونده‌ها نیز به صورت تلویحی به اجبار در اجرای وعده‌های انتخاباتی پرداخته شده:

*State v. Newton*, 328 So. 2d 110 (La. 1976); *Canales v. City of Alviso*, 474 P.2d 417 (1970); *Bush v. Head*, 97 P. 512 (Cal. 1908); *City of Farmers Branch v. Hawnco, Inc.*, 435 S.W.2d 288 (Tex. Civ. App. 1968); *Williams v. Police Jury of Concordia Parish*, 107 So. 126 (La. 1926); *Concerned Dus. & Prop. Owners v. DeSoto Parish School Bd.*, 528 So. 2d 567 (La. Ct. App. 1988); *Velazquez v. Soliz*, 490 N.E.2d 1346 (Ill. App. Ct. 1986); *Izaak Walton League of Am. v. Monroe County*, 448 So. 2d 1170 (Fla. Dist. Ct. App. 1984). Available at: <https://casetext.com/case/canales-v-city-of-alviso-2>

45. personal liability

۴۶. به عنوان نمونه ← پرونده ذیل که در آن کمیته انتخاباتی شاکی پرونده افترا علیه نامزد انتخاباتی شده است:

*Committee of One Thousand to Re-Elect State Senator Walt Brown v. Eivers*, 674 P.2d 1159, 1162 (Or. 1983). Available at: <https://case-law.vlex.com/vid/committee-of-one-thousand-888703343>

## منابع

### الف) کتاب

قرآن کریم

ابن منظور، م. (۱۴۱۴). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.

امامی، ح. (۱۳۴۰). *حقوق مدنی*. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.

بحرانی، ی. (۱۴۰۵). *الحدائق الناظرة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

جوهری، ا. (۱۴۱۰). *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية*. بیروت: دارالعلم للملایین.

حکیم، م. (۱۴۱۲). *الحکم الاسلامی بین النظریة و التطبيق*. قم: مؤسسه المنار.

سازمان بسیج حقوقدانان (۱۳۹۶). *بررسی تحلیلی وعده‌های انتخاباتی از منظر مبانی فقهی،*

*حقوقی، و اخلاق سیاسی*. تهران: سازمان بسیج حقوقدانان. قابل دسترسی در:

[https://basijlaw.ir/sites/default/files/wdh\\_hy\\_ntkhhbty-end\\_0.pdf](https://basijlaw.ir/sites/default/files/wdh_hy_ntkhhbty-end_0.pdf)

سبحانی، ج. (۱۳۶۲). *شورا در قرآن و نهج البلاغه*. قم: قدر.

شهید ثانی، ز. (۱۴۱۰). *الروضه البهیة*. قم: دار الکتب الاسلامیه.

شهیدی، م. (۱۳۷۷). *حقوق مدنی، تشکیل قراردادها و تعهدات*. تهران: حقوقدان.

شیخ طوسی، ا. (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. بیروت: المكتبة المرتضویه لاحیاء آثار

الجعفریه.

صفایی، ح. (۱۳۹۲). *مسئولیت مدنی الزامات خارج از قراردادها*. تهران: سمت.

صفایی، ح. (۱۳۸۶). *حقوق مدنی تطبیقی*. تهران: میزان.

طریحی، ف. (۱۴۱۶). *مجمع البحرین*. تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.

قریشی، ع. (۱۴۱۲). *قاموس قرآن*. تهران: دارالعلم.

گرجی، ا. (۱۳۶۵). *مقالات حقوقی*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

مکارم شیرازی، ن. (۱۴۱۱). *القواعد الفقهیه*. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).

موسوی خمینی، ر. (۱۴۲۱). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

مراقی، م. (۱۴۱۷). *عوائد الایام فی بیان الاحکام*. قم: تبلیغات اسلامی.

►  
ب) مقاله

- اسماعیلی، م. و حبیب‌نژاد، ا. (۱۳۹۶). مبانی فقهی - حقوقی لزوم عمل به وعده‌های انتخاباتی و مقابله با وعده‌های دروغین. *مطالعات حقوق عمومی*، ۴۷(۱)، ۱۳۵ - ۱۵۰.
- شعارئیان، ا. (۱۳۹۰). جبران خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد. *تحقیقات حقوقی*، ۵(۵۴)، ۳۸۷ - ۴۱۶.
- صفایی، ح. (۱۳۶۴). *قوه قاهره یا فورس ماژور. فصلنامه حقوقی بین‌المللی*، ۳(۱)، ۱۱۰ - ۱۴۰.
- گایار، ا. (۱۳۶۵). استاپل یا منع تناقض‌گویی به زیان دیگری. مترجم: ناصر صبح‌خیز. *مجله حقوقی انتشارات دفتر خدماتی بین‌المللی*، ۶(۱)، ۲۲ - ۴۹.
- مشایخی، س. و آدابی، ح. (۱۳۹۸). گستره و ویژگی‌های قاعده استاپل در حقوق عمومی داخلی. *پژوهش ملل*، ۴۰(۲)، ۶۹ - ۸۸.

References

Books

- Althaus, S. (2003). *Collective Preferences in Democratic Politics: Opinion Surveys and the Will of the People*. Cambridge: Cambridge University Press
- Barhani, Y. (1984). *Al-ḥadā'iq al-nāzīrah*. Qom: Islamic Publications Office.
- Basij organization of lawyers. (2016). *Analytical examination of election promises from the perspective of jurisprudence, law and political ethics*. Tehran: Basij Organization of Lawyers, accessible at:
- Diamond L. (1998). *Developing Democracy: Toward Consolidation*. Baltimore. MD: Johns Hopkins University Press.
- Downs, A. (1957). *An Economic Theory of Democracy*. New York: Harper.
- Emami, H. (1340). *Hoghoogh Madani*. Tehran: Islamic bookstore. (in Persian)
- Fiorina, M. (1981). *Retrospective Voting in American National Elections*, New Haven. CT: Yale University Press.
- Furmston, M. P.; Cheshire, Geoffrey; Simpson, Alfred; Fifoot, Cecil. (2006). *Cheshire, Fifoot and Furmston's Law of Contract*. England: Oxford University Press
- Gidengil, E, & André B., & Neil Ne and Nadeau R. (2004). *Citizens*, Vancouver: University of British Columbia Press.



- Gorji, A. (1986). *Maghalate Hoghooghi*. Tehran: Ministry of Islamic Guidance. (In Persian)
- ḡūharī, A. (1989). *Al-ṣwiḥāḥ- tāḡ al-lwuḡat̄ ū ṣiḥāḥ al-'arabīat̄*. bīrūt: dār al-'ilm lilmalāyin.
- ḥakīm, m. (1991). *al-ḥukm al-islāmī baīn al-nwazariywaṭ wa al-twaṭbiq*. qm: mu'sisah al-manār.
- Hardin R. (2002). *Trust and Trustworthiness*. New York: Russell Sage Foundation.
- Hooker, B. (2011). *Promises and Rule-Consequentialism, in Promises and Agreements: Philosophical Essays*. Oxford University Press.  
[https://basijlaw.ir/sites/default/files/wdh\\_hy\\_ntkhty-end\\_0.pdf](https://basijlaw.ir/sites/default/files/wdh_hy_ntkhty-end_0.pdf)
- Ibn manzūr, M. (1993). *lisān al-'arab*. bīrūt: dār ṣādir.
- Imam Khomeini, R. (2000). *Al-Bay's Kitāb*. Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini.
- Klir, G. J. and Yuan B. (1996), *Fuzzy Sets, Fuzzy Logic, and Fuzzy Systems*: Singapore.
- Kuklinski, J, and Paul J. Q. (2000). *Reconsidering the Rational Public: Cognition, Heuristics, and Mass Opinion*. In *Elements of Reason: Cognition, Choice and the Bounds of Rationality*, eds. Arthur Lupia, Matthew D. McCubbins, and Samuel L. Popkin. New York: Cambridge University Press.
- Lenz, Gabriel S. (2013). *Follow the Leader? How Voters Respond to Politicians' Policies and Performance*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Makārim šiyrāziy, N. (1990). *ālqawā'id ālfiqh*. Qom: School of Imam Amir ul-Momineen.
- Manin, B. (1997). *The Principles of Representative Government*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Milner, H. (2001), *Civic Literacy: How Informed Citizens Make Democracy Work*. Hanover, NH: University Press of New England.
- Nadeau, R., and Giasson, T. (2009). "Canada's Democratic Malaise: Are the Media to Blame?" *Choices: Strengthening Canadian Democracy* 9, Montréal: Institute for Research on Public Policy.
- Narāqī, M (1996). *'awā'id āl'aywuām fī baīāni āl'aḥkām*, Qom: 'Tablīgāt islāmī.
- Naurin, E. (2011). *Election Promises, Party Behaviour and Voter Perceptions*. New York: Palgrave MacMillan.
- Owens, D. (2012). *Shaping the Normative Landscape*. Oxford University Press.



Pétry, F. (2012). "Les partis tiennent-ils leurs promesses?" In R. Pelletier (ed.). *Les partis politiques québécois dans la tourmente*. Québec: Presses de l'Université Laval.

qur'ān

Qurīšī, 'A. (1991). *Qāmūs qur'ān*. thrān: dār al-'ilm

Rallings, C. (1987). The Influence of Election Programmes: Britain and Canada 1945–1979. In: Budge I, Robertson D and Hearl D (eds) *Ideology, Strategy and Party Change*. Cambridge: Cambridge University press.

Safai, H. (2007). *Comparative civil rights*. Tehran: Mizan.

Safai, H. (2013). *Civil liability requirements outside of contracts*. Tehran: Samt.

Shahidi, M. (1998). *Civil rights, formation of contracts and obligations*. Tehran: hoquqdan Publishing House.

šhīd tānī, Z. (1989). *Al-rūḍah al-bahīī*. Qom: dār al-kutub al-islāmīah.

šīh tūsī, A. (2008). *Al-mabsūṭ fī fiqh ālimāmīah*. bīrūt: al-maktabah al-murtadawiyah lihyā' aṭār al-ḡa'farīwah.

Sobhani, J. (1983). *šūrā in the Qur'an and nahḡ ālbalāḡih*. Qom: Qadr Publications.

Turiyhī, F. (1995). *Maḡma' al-bahraīn*. tihrān: murtaḍawiy.

### Articles

Anderson, C J., and Christine A. G. (1997). "Political Institutions and Satisfaction with Democracy: A Cross-National Analysis of Consensus and Majoritarian Systems". *American Political Science Review*, 91 (2), 66-81.

Artés, J. (2013). Do Spanish Politicians Keep Their Promises?. *Party Politics*, 19 (1), 143–58.

Benjamin F. B. (1950). Promissory Estoppel/: Requirements and Limitations of the Doctrine, 98 U. PA. L. REV. 440-460.

Brandenburg. H, Mcmillan. F and Thomson, R. (2019). Does It Matter If Parties Keep Their Promises? The Impact of Voter Evaluations of Pledge Fulfilment on Vote Choice. APSA Pre-prints. Available at: <https://preprints.apsanet.org/engage/apsa/article-details/5dc16b5522a8410012028167> (accessed 20 June 2021).

Cesi, C., Philip, K., Julien, L., Francesco, T. (2019). Making policies matter: Voter responses to campaign promises. *The Economic Journal*, 134 (July), 1875–1913.



- Costello, R. and Robert, T., (2008). Election Pledges and their Enactment in Coalition Governments: A Comparative Analysis of Ireland. *Journal of Elections, Public Opinion and Policy*, (18), 239-56.
- Davis, M. A. and Ferrantino, M. (1996). Towards a Positive Theory of Political Rhetorics: Why Do Politicians Lie?. *Public Choice*, 88 (1-2), 1-13.
- Eisenberg, M. A. (1982). The Bargain Principle and Its Limits. *Harvard Law Review*, 95 (4), 741-801.
- Enriqueta, A., Thomas, P., Andrew, P. (2007), Political Reputations and Campaign Promis". *Journal of the European Economic Association*, 5 (4), 816-846.
- Froio, C., Bevan, S and Jennings, W. (2017). Party Mandates and the Politics of Attention: Party Platforms, Public Priorities and the Policy Agenda in Britain. *Party Politics*, 23 (6), 692-703.
- Gayar, A. (1986). Staple or prohibition of contradiction to the detriment of another. Translated by Nasser Sobh-Khiz, *Legal Journal of International Service Office Publications*, 6 (1), 22-49.
- Ismaili, M. and Habib-Najad, A. (2016). Jurisprudential legal foundations of the necessity of fulfilling election promises and dealing with false promises. *Quarterly Journal of Public Law Studies*, 47(1), 135-150.
- Kalogeropoulou, E. (1989). Election Promises and Government Performance in Greece: PASOK's Fulfilment of Its 1981 Election Pledges. *European Journal of Political Research*, 17 (3), 289-311.
- Keefer, P and Razvan, V. (2017). Vote buying and campaign promises. *Journal of Comparative Economics*, 45 (4), 773-792.
- Mansbridge, J. (2003). Rethinking Representation. *American Political Science Review*, 97 (1), 501-539.
- Marsh, M. and Tilley, J. (2010). The Attribution of Credit and Blame to Governments and its Impact on Vote Choice. *British Journal of Political Science*, 40 (4), 115-134.
- Mashayikhi, S. and Adabi, H. (2018). The scope and characteristics of the staple rule in domestic public law. *Journal of Nations Research*, 40 (2), pp. 69-88.
- Naurin, E. and Oscarsson, H. (2017). When and Why Are Voters Correct in Their Evaluations of Specific Government Performance?. *Political Studies*, 65 (4), 860-876.
- Safai, H. (1985). Force majeure or force majeure. *International Legal Quarterly*, 3 (1), 110-140.

- Scanlon, T. (1990). Promises and Practices, *Philosophy and Public Affairs*, 3 (1), 199-226.
- Schedler, A. (1998). The Normative Force of Electoral Promises. *Journal of Theoretical Politics*, 10 (2), 191-214.
- Shaarerian, A. (2011). *Compensation for moral damage caused by breach of contract. Legal Research*, 5(54), 416-387.
- Stanley, D. H. (1969). Promissory Estoppel/ and Traditional Contract Doctrine. *YALE L.J.*, 78, 343-359.
- Stephen, D. S. (1991). Read My Lips: Examining the Legal Implications of Knowingly False Campaign Promises. *MICH. L. REV.*, 90, 390-428.
- Thompson, D. K. (1979). Note, Equitable Estoppel of the Government, *CoLUM. L. REV.*, 19, 540-554.
- Thomson, R. (2001). The Programme to Policy Linkage: The Fulfilment of Election Pledges on Socio-Economic Policy in the Netherlands. *European Journal of Political Research*, 40 (3), 171-197.

